

نگاهی به
آیین دادرسی مدنی

www.ketab.ir

یوسف نوبخت

سرشناسه: نوبخت، یوسف، ۱۳۲۳-

عنوان قرارداد: ایران، قوانین و احکام

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به آیین دادرسی مدنی / تألیف یوسف نوبخت.

مشخصات نشر: تهران: رادنوا، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۶۳۰ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۰۲-۲۸-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

موضوع: آیین دادرسی مدنی -- ایران

کتابشناسی: کنگره: ۱۳۹۳، ن ۸۸۳، ن ۱۰ / KMH1710

کتابشناسی: دیویی: ۳۴۷/۵۵

کتابشناسی: ملی: ۳۴۳۲۸۳۸

نگاهی به آیین دادرسی مدنی

یوسف نوبخت

ناشر: رادنوا، تهران

چاپ: اول - ۱۳۹۳

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۰۲-۲۸-۵

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به ناشر است.



راه نو اندیش

نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان کاووسی فر، کوچه باربد، پلاک ۳۰، واحد ۳

www.radnoandish.com

تلفن: ۸۸۵۲۸۱۴۷-۸

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه آ.د.م.
۱۳	تعریف دعاوی مدنی (حقوقی)
۱۴	تقسیم دعاوی حقوقی به مالی و غیرمالی
۱۵	تفاوت دعاوی مالی و غیرمالی از حیث مقررات قانونی
۱۶	تعریف دادگاه و انواع آن
۱۸	انواع رسیدگی
۲۱	قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب
۲۱	کتاب اول - در امور مدنی
۲۱	کلیات
۲۵	باب اول - در صلاحیت دادگاهها
۲۵	فصل اول - در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها
۵۳	فصل دوم - اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل اختلاف
۶۱	باب دوم - وکالت در دعاوی
۸۳	باب سوم - دادرسی نخستین
۸۳	فصل اول - دادخواست
۸۳	مبحث اول - تقدیم دادخواست
۸۴	مبحث دوم - شرایط دادخواست
۸۸	مبحث سوم - موارد توقیف دادخواست
۹۴	مبحث چهارم - پیوستهای دادخواست
۹۹	فصل دوم - بهای خواسته
۱۰۵	فصل سوم - جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی
۱۰۵	مبحث اول - جریان دادخواست
۱۰۹	مبحث دوم - ابلاغ

۱۲۳	مبحث سوم- ایرادات و موانع رسیدگی
۱۳۷	فصل چهارم- جلسه دادرسی
۱۴۹	فصل پنجم- توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست
۱۵۴	فصل ششم- امور اتفاقی
۱۵۴	مبحث اول- تأمین خواسته
۱۵۴	۱- درخواست تأمین
۱۶۹	۲- اقدام تأمین
۱۷۴	مبحث دوم- ورود شخص ثالث
۱۸۰	مبحث سوم- خروج شخص ثالث
۱۸۷	مبحث چهارم- دعوی متقابل
۱۹۷	مبحث پنجم- اثبات تأمین از اتباع دولت‌های خارجی
۲۰۲	فصل هفتم- تأمین دلیل
۲۰۲	مبحث اول- تأمین دلیل
۲۰۷	مبحث دوم- اظهارنامه
۲۱۰	فصل هشتم- دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت و مزاحمت
۲۳۲	فصل نهم- سازش و درخواست آن
۲۳۲	مبحث اول- سازش
۲۳۸	مبحث دوم- درخواست سازش
۲۴۵	فصل دهم- رسیدگی به دلایل
۲۴۵	مبحث اول- کلیات
۲۵۴	مبحث دوم- اقرار
۲۵۷	مبحث سوم- اسناد
۲۵۷	الف- مواد عمومی
۲۶۵	ب- انکار و تردید
۲۶۹	ج- ادعای جعلیت
۲۷۴	د- رسیدگی به صحت و اصالت سند
۲۸۱	مبحث چهارم- گواهی

۲۹۷	مبحث پنجم- معاینه محل و تحقیق محلی
۳۰۶	مبحث ششم- رجوع به کارشناس
۳۱۶	مبحث هفتم- سوگند
۳۲۰	مبحث هشتم- نیابت قضایی
۳۲۵	فصل یازدهم - رأی
۳۳۵	مبحث اول- صدور و انشاء رأی
۳۳۹	مبحث دوم- ابلاغ رأی
۳۴۲	مبحث سوم- حکم حضوری و غیابی
۳۴۴	مبحث چهارم- اعاده دادرسی
۳۵۵	مبحث پنجم- تصحیح رأی
۳۵۷	مبحث ششم- دادرسی استعجالی
۳۷۹	باب چهارم - تجدیدنظر
۳۷۹	فصل اول- احکام و قرارهای قابل تجدیدنظر
۳۸۰	فصل دوم- آرای قابل تجدیدنظر
۳۸۹	فصل سوم- مهلت تجدیدنظر
۳۹۲	فصل چهارم- دادخواست و مقدمات رسیدگی
۴۰۲	فصل پنجم- جهات تجدیدنظر
۴۲۵	باب پنجم- فرجام خواهی
۴۲۵	فصل اول- فرجام خواهی در امور مدنی
۴۲۵	مبحث اول- فرجام خواهی و آرای قابل فرجام
۴۳۰	مبحث دوم- موارد نقض
۴۳۸	مبحث سوم- ترتیب فرجام خواهی
۴۴۶	مبحث چهارم- ترتیب رسیدگی
۴۵۱	مبحث پنجم- مهلت فرجام خواهی
۴۵۳	مبحث ششم- اقدامات پس از نقض
۴۶۵	مبحث هفتم- فرجام تبعی
۴۶۷	فصل دوم - اعتراض شخص ثالث

۴۸۷	فصل سوم - اعاده دادرسی
۴۸۷	مبحث اول - جهات اعاده دادرسی
۴۹۴	مبحث دوم - مهلت درخواست اعاده دادرسی
۴۹۷	مبحث سوم - ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی
۵۱۳	باب ششم - مواعد
۵۱۳	فصل اول - تعیین و حساب مواعد
۵۱۷	فصل دوم - دادن مهلت و تجدید موعد
۵۲۱	باب هفتم - داوری
۵۶۵	باب هشتم - هزینه دادرسی و اعسار
۵۶۵	فصل اول - هزینه دادرسی
۵۶۷	فصل دوم - اعسار از هزینه دادرسی
۵۷۷	باب نهم - مطالبه خسار و اجرت به انجام تعهد
۵۷۷	فصل اول - کلیات
۵۸۲	فصل دوم - خسارات
۵۸۵	فصل سوم - مستثنیات دین
۵۹۱	سایر مقررات
۵۹۵	پیوست
۵۹۹	ویژگی‌های اولین جلسه دادرسی
۶۰۰	اقسام قرارهای دادگاه به طور کلی
۶۰۲	موارد صدور قرارها
۶۰۵	موارد توقف یا توقیف دادرسی
۶۰۷	اقسام اوقات دادگاه
۶۰۹	موادی از قانون که با هم مرتبط است
۶۱۱	موادی از قانون که مقررات آن‌ها همسان و مشابه است
۶۱۷	موادی از قانون که مقررات آن‌ها با یکدیگر متفاوت است
۶۲۵	تغییرات جدید تعرفه‌های خدمات قضایی

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

به توصیه و تشویق دوستان و همکاران ارجمند بر آن شدم که حاصل خدمات و اشتغالات قضایی و وکالتی و همچنین ثمره شرکت مستمر در جلسات مباحثه و رایزنی با قضات شریف، نشست‌های مشاوره و کنکاش علمی و حقوقی با وکلای محترم دادگستری و حقوق‌دانان گرانقدر و نیز نتیجه تدریس برای دانشجویان و داوطلبان و کارآموزان عزیز حرفة قضاوت و وکالت، خصوصاً آیین دادرسی مدنی را در مجموعه‌ای فراهم آورم و این کتاب دست‌آورد آن پیش‌رو، همیم و یادگار آن تجربه‌ها است.

خوشبختانه کتاب‌های گرانگیزه و فاخر و ارزشمند در آیین دادرسی مدنی همچون کتاب‌های حقوقی دیگر از جانات سرافراز و فرهیخته و حقوق‌دانان والا مقام به صورت علمی و تحقیقی و تطبیقی و به سبب مسوولان مشروح پدید آمده و انتشار یافته است که مطالعه و استفاده از آن‌ها برای پریندگی و پژوهندگان راه دانش حقوق ضروری است، لیکن این مجموعه نظیر کتاب اندیشه‌های قضایی اغلب صبغه و وصف کاربردی و عملی داشته و کوشش شده است شیوه نگارش آن به گونه‌ای باشد که در دادخواهی و دادرسی قانونی در عمل به کار آید و ره‌گشایی کند.

این کتاب شرح و تفسیر و نقد و تحلیل مواد قانون آیین دادرسی مدنی را برای عمومی و انقلاب، در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی است که در متن نوشتار غالباً از «قانون مذکور» به اختصار با حروف (ق.آ.د.م.) یاد شده است.

ابتدا در نظر داشتم به شرح و تفسیر مواد قانون بسنده کنم، ولی در نهایت به منظور تسهیل مطالعه خوانندگان گرامی در مراجعه به قانون و تطبیق آن با نوشته مصمم شدم متن مواد قانون را نیز در کتاب بگنجانم و در ذیل هر یک از مواد با رعایت اختصار به تفسیر و تحلیل آن ماده از قانون بپردازم.

در بررسی اکثر مواد قانون، مطالب مهم هر ماده را با ذکر مثال از انواع دعاوی مدنی و در بندهای جداگانه و گاهی چکیده آن را به عنوان نکته‌ها آورده و کوشیده‌ام در موارد نقص یا ابهام یا اجمال یا سکوت و یا اشتباه قانون آیین دادرسی مدنی، اظهارنظر و راه حل ارائه نمایم و به اقتضای مناسبت موضوعات، نظریات قضایی دادرسان و حقوق‌دانان فرترانه و نیز آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوانعالی کشور و مواد قوانین مرتبط مورد استناد را منعکس کنم. الزون در شرح و تفسیر مواد قانون، برخی از موضوعات آیین دادرسی مدنی را با یکدیگر مقایسه و تطبیق نموده‌ام. در این راستا از جمله استماع گواهی با تحقیق محلی و نیز سرکند بیتی و گواهی استظهاری و اعتراض شخص ثالث با اعتراض ثالث اجرایی مقایسه گردیده است. همچنین میان تأمین خواسته با دستور موقت در خصوص توقیف مال و اعتراض شخص ثالث در خواست اعاده دادرسی مقایسه و جهات مشابهت و تفاوت آن‌ها نسبت به هم نشان داده‌ام. است و حسب اقتضا مسائل متعدد مورد بحث در جمع قضات با فضیلت و حقوق‌دانان و وکلای دادگستری را جمع به آیین دادرسی مدنی را مطرح و نظریات ابرازی را بیان کرده‌ام که نمونه آن گفتارهای این ماهیت حقوقی و آثار قانونی گزارش اصلاحی است.

به‌علاوه، مقدمه کوتاهی درباره آیین دادرسی مدنی و ارزش پیوست را به متن کتاب افزوده‌ام. در بخش پیوست پاره‌ای از مطالب قانون جمع دادرسی و مواد مرتبط و همسان و متفاوت آن دسته‌بندی گردیده است.

آنچه در موضوعات آیین دادرسی و نسبت به مواد قانون برداشت و اظهار نظر کرده‌ام که بی‌گفتگو خالی از ایراد و اشکال نیست، صرفاً نگاه و استنباط و اعتقاد شخصی است و به نشانه یک راه حل با حفظ احترام به نظریات دیگر ابراز شده است و اگر با دیدگاه‌های برخی دانش‌وران و حقوق‌دانان بزرگوار سازگار نباشد، تعصب و اصرار در درستی و پذیرش آن‌ها نیست، اگرچه از میان آرای مختلف و در استنباط از مواد، عقیده‌ای را که قانونی و مفید و عملی و مقرون به عدالت یافته‌ام برگزیده و به قابل استناد و در خور پذیرش بودن آن نظر داده‌ام؛ «تا که قبول افتد و چه در نظر آید».

شایان ذکر است که مقارن چاپ این کتاب با تصویب قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور، میزان تعرفه برخی از هزینه‌های دادرسی افزایش یافته و لازم‌الاجرا گردیده است. نظر به اینکه فرصت انعکاس این تغییرات در شرح مواد قانون آیین دادرسی دست نداد لذا جدول قانونی تعرفه‌های جدید، موضوع بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۹۵۳/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ ریاست قوه قضائیه در پیوست کتاب آورده شد. خوانندگان محترم در خصوص میزان هزینه‌های دادرسی به این بخش از کتاب مراجعه فرمایند.

خداوند متعال را شاکرم که تفضل فرمود این ره‌آورد کوچک و محصول سال‌هایی از عمر را به جامعه والای حقوقی و قانون‌مندان و حق‌جویان و عدالت‌پیشه‌گان تقدیم و پیشکش کنم، به این هدف و امید که دادخواهان را در دادخواهی و دادرسان را در دادرسی و پاسداری از سنگر و حریم نظم و قانون و رفع غم و اجرای عدالت و احقاق حق مفید افتد. در خاتمه شایسته است از انتشارات مؤسسه محترم فرهنگی هنری رادنواندیش و اعضاء و مدیران لایق و مهربان آن که برای بناد و جود و چاپ این کتاب مساعی بلیغ و ستودنی و در خور تحسین مبذول داشته‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

یوسف نوبخت

www.ketab.ir

مقدمه آ.د.م.

تعریف دعوی مدنی (حقوقی)

دعوی حقوقی عبارت است از ادعای حقی که مورد انکار یا تجاوز واقع شده و در مرجع قضایی مطرح گردیده باشد. مثلاً در دعوی خریدار علیه فروشنده به خواسته الزام به تسلیم مبیع، خریدار به عنوان مدعی (خواهان) ادعای حق مالکیت نسبت به مبیع می‌نماید و فروشنده را به عنوان مدعی علیه (خوانده) منکر یا متجاوز به حق مذکور معرفی می‌کند. بنابراین در دعوی حقوقی دو طرف دارد، خواهان که مدعی حق است و خوانده که انکار یا تجاوز به حق منسوب به او است. اگر فرضاً ادعای طلب دائن، مورد قبول طرف مقابل نباشد انکار صورت پذیرفته است. چنانچه طرف مقابل با احراز دین و داشتن تمکن از ادای آن امتناع ورزد تجاوز به حق انکار به عمل آمده است. مجرد ادعای خواهان بدون معرفی خوانده کافی برای رسیدگی نیست، ادعای خواهان شرط لازم برای تحقق دعوا است و شرط کافی آن تعیین خوانده است. اگر دادخواست خوانده تعرفه نشود از موارد نقص دادخواست است. اثبات دعوا به عهده خواهان و دفاع متوجه خوانده است.

تقسیم دعوی حقوقی به مالی و غیرمالی

هر دعوی حقوقی مالی یا غیرمالی است. با آنکه قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۷۹ در مواد مختلف مکرراً از دعوی مالی و غیرمالی سخن به میان آورده است مانند قانون آیین دادرسی مدنی سابق تعریفی از دعوی مذکور به دست نداده و مصطلحات این را فهرست نکرده است. از گذشته تا کنون تشخیص دعوی مالی و غیرمالی با دادگاه و رویه قضایی بوده است. اگرچه راجع به مالی یا غیرمالی بودن بسیاری از دعاوی به جهت بدهت امر بین دادرسان اختلافی نیست، اما نسبت به پاره‌ای از دعاوی از جمله دعوی الزام به تنظیم سند اختلاف نظر وجود دارد.

ضابطه کلی برای تشخیص دعوی مالی از غیرمالی این است که اگر خواسته‌ی خواهان در دادخواست مالیت و ارزش اقتصادی داشته و قابل مبادله و داد و ستد باشد دعوی مطروحه

مالی و در غیر اینصورت غیرمالی خواهد بود. بنابراین مصادیق دعوای مالی به قرار ذیل است:

(۱) دعوای مطالبه وجه نقد از قبیل مطالبه دین و مال الاجاره و خسارت و همچنین مطالبه مبلغ اسناد تجاری.

(۲) دعوای راجع به اموال منقول مانند دعوای مالکیت اتومبیل و دعوای استرداد جهیزیه.

(۳) دعوای راجع به مالکیت اموال غیرمنقول از قبیل دعوای الزام به انتقال رسمی مالکیت خانه یا زمین مورد معامله یا دعوای خلعید از غیرمنقول که با موضوع مالکیت ملازمه دارد. در دعوای غیرمالی اگر به خواسته خواهان در دادخواست ارزش اقتصادی ندارد و قابل مبادله با پول نیست، لیکن دارای ارزش اعتباری و شخصی و اخلاقی و اجتماعی است، از قبیل دعوای اثبات نیکه و صلاح و رفع تصرف عدوانی و تخلیه مورد اجاره و تقسیم ترکه و اعسار. شایان توجه است که دعوای راجع به غیرمنقول ممکن است مالی یا غیرمالی باشد.

دعوای راجع به مالکیت غیرمنقول را بر حقوق مربوط به آن مانند حق انتفاع و حق ارتفاق که خواسته‌ی خواهان مالیت و ارزش اقتصادی ندارد دعوای مالی است. بنابراین دعوای الزام به تنظیم سند رسمی مبنی بر انتقال غیرمنقول، دعوای مالی محسوب می‌شود، لیکن دعوای رفع تصرف عدوانی از آپارتمان یا دعوای تخلیه مورد اجاره که دعوای خواهان منصرف از موضوع تملک است، دعوای غیرمالی به شمول آیین دادرسی غیرمالی رسیدگی به دعوای راجع به غیرمنقول خواه مالی یا غیرمالی در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است.

نکته دیگر این است که در تشخیص مالی یا غیرمالی بودن دعوای خواسته‌ی مستقیم و اولیه خواهان ملاک اعتبار است و آنچه به طور غیرمستقیم و ملاً از نتیجه دعوا حاصل می‌شود مناط اعتبار و مؤثر در مقام نیست، اگرچه منتهی به تملک گردد، بنابراین اگرچه اثبات نسب یا زوجیت ممکن است موجب تعلق سهم الارث شود و برخورداری خواهان از مالکیت را در پی داشته باشد، معذک دعوای اثبات نسب یا زوجیت دعوای غیرمالی تلقی می‌شود، چون موضوع تملک، خواسته‌ی مستقیم و اولیه خواهان در دادخواست نیست.

تفاوت دعاوی مالی و غیرمالی از حیث مقررات قانونی

شناخت و تشخیص مالی یا غیرمالی بودن دعاوی حقوقی حائز اهمیت است، زیرا مقررات و آثار قانونی متمایز و متفاوت بر آن‌ها حکم‌فرما و مترتب است به این توضیح که برابر بند (۳) ماده (۵۱) ق.آ.د.م. در دعاوی مالی خواهان مکلف است بهاء و ارزش خواسته خود را در دادخواست تعیین کند. تکلیف خواهان به تعیین بهاء خواسته در دعاوی مالی برای سه منظور است:

اولاً- بر اساس تقویم خواسته حسب مورد صلاحیت شورای حل اختلاف یا دادگاه برای رسیدگی احراز شود. مطابق بند (۱) ماده (۱۱) قانون شورای حل اختلاف مصوب ۸۷/۴/۱۸ کمیسیون قضایی موضوع مجلس شورای اسلامی، رسیدگی به دعاوی مالی در روستا تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در شهر تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در صلاحیت شورای حل اختلاف است.

ثانیاً- به مأخذ بهای خواسته هزینه دادرسی محاسبه و پرداخت گردد. برابر بخش‌های (الف) و (ب) و (ج) بند (۱۲) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ در مرحله نخستین تا ده میلیون ریال بهاء خواسته معادل ۱/۵ درصد آن و نسبت به مازاد ۲ درصد بهاء خواسته در تجدیدنظر و واخواهی ۳ درصد محکوم‌به و در مرحله فرجام تا یک میلیون ریال محکوم‌به و در مرحله فرجام و نسبت به مازاد آن ۴ درصد محکوم به هزینه دادرسی به دعاوی مالی تعلق می‌گیرد.

ثالثاً- بر مبنای تقویم خواسته معلوم شود رأی راجع به آن دعوا قطعی یا غیرقطعی است. مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی است، زیرا ملاک قطعیت یا عدم قطعیت رأی صادره در دعاوی مالی میزان بهاء خواسته در دادخواست است نه آنچه مورد لحوق حکم واقع می‌شود (بند الف ماده ۳۳۱ و بند ۱ قسمت الف ماده ۳۶۷ ق.آ.د.م.).

در دعاوی غیرمالی موضوع تقویم خواسته منتفی است، زیرا خواسته در دعاوی غیرمالی اساساً قابل تقویم نیست بنابراین:

اولاً- صلاحیت مرجع قضایی در رسیدگی نسبت به دعاوی غیرمالی حسب عنوان دعوا احراز

می‌شود.

ثانیاً- هزینه دادرسی نسبت به دعاوی غیرمالی در هر مرحله از دادرسی به طور مقطوع پنجاه هزار ریال است. (بخشنامه شماره $\frac{۹۰۰۰/۱۴۰۲/۱۰۰}{۸۹/۱/۱۸}$ قوه قضائیه مستنداً به بند (۳۶) بخش ششم تغییرات متفرقه اعمال شده در بودجه سال ۱۳۸۹).

ثالثاً- همه آراء صادره در دعاوی غیرمالی غیرقطعی است و حسب مورد ممکن است قابل تجدیدنظر افرجام باشد.

بنابراین موجب ملاحظه می‌شود مقررات مربوط به تشخیص صلاحیت و نیز نحوه احتساب هزینه دادرسی، همچون قطعیت و عدم قطعیت رأی نسبت به دعاوی مالی و غیرمالی متفاوت است. از اینرو ضرورت دارد در آغاز اقامه‌ی دعاوی حقوقی، موضوع مالی یا غیرمالی بودن آن تشخیص داده شود تا برای آن اقدام گردد.

تعریف دادگاه و انواع آن

به طور کلی دادگاه مرجعی است که با مجریز قانون برای رسیدگی به شکایات و دعاوی و امور حسبی تشکیل می‌شود. اعتبار و صلاحیت هر دادگاه و لازم‌الاجرا بودن حکم آن در صورتی است که به دستور قانون ایجاد شده باشد.

تقسیم دادگاه‌ها: تقسیم دادگاه‌ها به اعتبار نوع صلاحیت و صنف است. دادگاه‌ها از حیث نوع به دادگاه عمومی و اختصاصی و از نظر درجه به دادگاه نخستین و دادگاه تجدیدنظر و از جهت صنف به دادگاه حقوقی و دادگاه کیفری تقسیم شده است.

تعریف دادگاه عمومی: دادگاه عمومی دادگاهی است که به موجب قانون، صلاحیت رسیدگی به همه‌ی دعاوی را دارد مگر آنچه قانوناً استثناء شده باشد مانند دادگاه‌های عمومی اعم از نخستین و تجدیدنظر.

تعریف دادگاه اختصاصی: دادگاه اختصاصی صلاحیت رسیدگی به هیچ دعوی‌ای ندارد مگر اینکه به موجب قانون نسبت به موارد مصرح در آن صالح شناخته شده باشد، مانند دادگاه خانواده حسب ماده (۱) قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱.

تعریف دادگاه نخستین: دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی بدوی نسبت به دعوی مطروحه را دارد و صالح به رسیدگی تجدیدنظری نیست، اگرچه طرفین تراضی نموده باشند. مانند دادگاه عمومی نخستین که در حوزه قضایی بخش یا شهرستان و نیز در مرکز استان و با تصدی یک قاضی برای هر شعبه تشکیل می‌شود.

تعریف دادگاه تجدیدنظر: دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی تجدیدنظری نسبت به دعوی واهی به صدور رأی از دادگاه نخستین را دارد و نمی‌تواند ابتدائاً رسیدگی کند مگر در مورد استثنایی و به موجب قانون مانند رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی به دعوی واهی ثالث رسیدگی به جلب ثالث یا اعتراض شخص ثالث (ماده ۷ ق.آ.د. مصوب ۱۳۷۹).

مصادق دادگاه مذکور که تجدیدنظر استان است که هر شعبه آن از سه قاضی (رییس و دو مستشار) تشکیل می‌شود و عضو هر شرکت دو قاضی از سه قاضی مذکور نیز رسمیت می‌یابد و مقر آن در مراکز استان‌ها است. تقسیم دادگاه از جهت صنف به دادگاه حقوقی، کیفری با التفات به قسمت اخیر بند (۲) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ در اصلاح ماده (۴) قانون مصوب ۱۳۷۳ مبنی بر جواز ارجاع پرونده حقوقی به شعبه جزایی و بالعکس قابل تأمل است.

غیر از دادگاه‌های مذکور در فوق که جایگاه قانونی آن‌ها در رمان قضایی قوه قضائیه است، مراجع و کمیسیون‌ها و هیأت‌هایی نیز در خارج از سازمان قضایی به تعویز قانون، رسیدگی به پاره‌ای از امور و اختلافات را بر عهده دارند که از زمره مراجع اختصاصی به شمار می‌روند، مانند شورای کارگاه و هیأت حل اختلاف و کمیسیون‌های مالیاتی و کمیسیون ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری که حسب مورد به اختلافات کارگر و کارفرما موضوع قانون کار و شکایت‌های مالیاتی و تخلفات از مقررات شهرداری و تخلفات اداری رسیدگی می‌نمایند و مراجع تجدیدنظر آن‌ها نیز در

سازمان مربوط تشکیل می‌شود. آرای قطعی صادره از مراجع فوق در دیوان عدالت اداری قابل شکایت است و دیوان نسبت به آن رسیدگی شکلی می‌نماید. (بند ۲ ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵).

انواع رسیدگی

رسیدگی دادگاه‌ها از جهتی به رسیدگی شکلی و رسیدگی ماهوی و از جهت دیگر به رسیدگی اختیاری و رسیدگی عادی (به صورت تبادل لوایح) تقسیم می‌شود. رسیدگی شکلی: رسیدگی شکلی دادگاه عبارت از رسیدگی مقدماتی و بدون ورود در ماهیت دعوا است. منظور احراز اینکه آیا شرایط قانونی طرح دعوا و رسیدگی به آن فراهم است یا نه؟ چنین ارتباط قانونی اقامه دعوا و رسیدگی نسبت به آن احراز صلاحیت دادرس از جهت مورد رسیدگی و همچنین احراز صلاحیت ذاتی و محلی دادگاه و احراز سمت دادخواست‌دهنده و دینگی بودن خواهان و نیز لزوم توجه دعوا به خواننده و عدم شمول اعتبار قضیه محکوم بهاء رسیدگی عادی است.

در رسیدگی شکلی و مقدماتی، دادگاه نسبت به احراز اینکه همه شرایط قانونی فراهم است وارد رسیدگی ماهوی می‌شود و هرگاه تشخیص دهد که یک از شرایط قانونی برای طرح و رسیدگی به دعوا وجود ندارد، بدون ورود به ماهیت دعوا نسبت به مورد قرار امتناع از رسیدگی یا قرار عدم صلاحیت یا قرار رد دعوا را صادر می‌نماید و وارد اصل موضوع دعوا نمی‌شود، زیرا ورود به اصل دعوا مستلزم این است که دعوا از نظر شکلی ارتباط قانونی قابلیت استماع داشته باشد.

رسیدگی شکلی خود نوعی رسیدگی قضایی است که توسط دادگاه در اولین جلسه دادرسی صورت می‌گیرد و جدا از موضوع بررسی اوراق پرونده یا تکمیل آن است که از وظایف مدیر دفتر است و قبل از تعیین وقت به عمل می‌آید.

رسیدگی ماهوی: عبارت از رسیدگی دادگاه نسبت به اصل موضوع و ماهیت دعوا و پرداختن به دلایل طرفین جهت تشخیص حق و احراز واقع است. مثلاً در موضوع دعوای

الزام به تنظیم سند رسمی انتقال مبیع، رسیدگی دادگاه برای احراز وقوع عقد بیع و صحت آن و در این راستا فرضاً رسیدگی به اصالت مستند دعوا یا استماع گواهی یا ارجاع امر به کارشناس رسیدگی ماهوی است. رسیدگی ماهوی خود متضمن دو مقوله است: نخست رسیدگی موضوعی، سپس رسیدگی حکمی.

در رسیدگی موضوعی دادگاه به کمک ادله‌ای که طرفین باید استناد و ارائه نمایند به تشخیص موضوع می‌پردازد که مثلاً قرارداد موضوع دعوا اجاره یا بیع یا صلح و غیره است، آنگاه پس از ثابت شدن موضوع، دادگاه به یافتن حکم آن موضوع مبادرت می‌کند. قاضی باید حکم قضیه بر بنای قانونی و شرعی استخراج و استنباط نماید و دلیل حکم را تعیین کند. پس ارائه دلیل دعوا ماثبات موضوع آن حسب مورد به عهده اصحاب دعوا و استناد به دلیل حکم و استنباط استخراج آن از منابع به عهده قاضی است.

بنا به مراتب دادگاه در رسیدگی شکلی اگر دعوی مطروحه را قابل استماع نداند باید قرار صادر کند، لیکن در خاتمه رسیدگی محلی لازم است حکم صادر نماید، خواه حکم به محکومیت خوانده یا حکم به بیحقی خواهان بطلان دعوی او.

به قراردائیکه در رسیدگی شکلی صادر می‌شود مانند قرار رد دعوا قرار نهایی گفته می‌شود، اما قراردائیکه دادگاه در رسیدگی ماهوی و در مقام بررسی دلایل طرفین صادر می‌نماید از قبیل قرار ارجاع امر به کارشناس و قراردادهای معاینه محل، تحقیق محلی و قرار استماع گواهی گواهان و قرار اتیان سوگند، قراردادهای اعدادی یا مقدماتی یا قضیه نامیده می‌شود.

قراردادهای نهایی ممکن است حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام باشد اما قراردادهای اعدادی مستقلاً قابل تجدیدنظر و فرجام نیست.

قراردادهای نهایی قابل عدول نیست، لیکن ممکن است دادگاه از قراردادهای مقدماتی عدول کند، خواه توسط قاضی صادرکننده قرار یا قاضی جانشین.

دادگاه قراردادهای دیگری نیز صادر می‌نماید که جدا و متفاوت از قراردادهای نهایی و قراردادهای اعدادی است، مانند قرار توقف یا توقیف دادرسی و قرار تأمین دلیل و قرار تأمین خواسته و قرار امتناع از رسیدگی.

رسیدگی اختصاری: در این شیوه باید وقت رسیدگی تعیین و طرفین دعوت به حضور شوند و وقت رسیدگی به آنان ابلاغ گردد. در این نحوه رسیدگی ممکن است پرونده در همان جلسه اول منتهی به صدور رأی گردد یا ادامه رسیدگی نیاز به تعیین جلسات دیگر داشته باشد. رسیدگی دادگاه نخستین به صورت اختصاری است.

رسیدگی عادی (مبادله لوایح): به اظهارات و مدافعاتی که طرفین به صورت کتبی به دادگاه ارائه می‌دهند لایحه گفته می‌شود. در این روش به جای تعیین وقت رسیدگی تبادل لوایح صورت می‌گیرد، یعنی نسخه ثانی دادخواست و ضامیم توسط مدیر دفتر دادگاه برای طرف مقابل ارسال می‌شود تا او حسب مورد ظرف ده یا بیست روز کتباً پاسخ دهد. برخلاف رسیدگی اختصاری تعیین وقت رسیدگی الزامی است، در رسیدگی عادی تعیین وقت الزامی نبوده و به افتخار مدعی است. رسیدگی دادگاه تجدیدنظر و دیوانعالی کشور به صورت عادی و با مبادله لوایح است.